

## آموزه قرآنی امت و اثربخشی آن در تحقق هویت واحد تمدنی در جهان اسلام

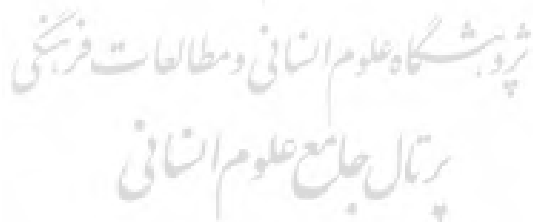


امیرمحسن عرفان<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** بازنمود ظرفیت هویت‌بخش آموزه قرآنی امت، مهم‌ترین هدف این پژوهش بود. **روش:** این تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته و بر حسب دستاورد یا نتیجه تحقیق، از نوع توسعه‌ای-کاربردی؛ از لحاظ هدف، از نوع اکتشافی و به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، تحقیق کیفی است. **یافته‌ها:** یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، اثبات توانایی‌های «استخراجی» آموزه امت است؛ به این معنا که این آموزه، توانایی خلق ایدئولوژی لازم برای بهره‌برداری از امکانات مادی و غیر مادی موجود در جهان اسلام را برای نیل به اهداف و آرمانهای خود- با توجه به اولویتهای مدم نظر- دارد. **نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از تحلیل و ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده نشان داد که «تزریق هویت جمعی»، «تبدیل هویت‌های گسیخته به پیوسته»، «تشابه‌سازی و تمایزبخشی توأمان»، «نمادسازی مشترک» و «تضعیف هویت‌جویی‌های افراطی»، از مهم‌ترین کارکردهای هویت‌بخش آموزه قرآنی امت در جهان اسلام‌اند.

**واژگان کلیدی:** آموزه امت، قرآن کریم، هویت، تمدن، جهان اسلام.



دریافت مقاله: ۰۰/۰۶/۰۱؛ تصویب نهایی ۰۰/۱۱/۱۲.

۱. دکترای مدرسی معارف اسلامی (گرایش تاریخ و تمدن اسلامی)، استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.  
نشانی: قم؛ بلوار محمد امین، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی. نمابر: ۰۲۵۳۲۱۱۰۱۱ / Email: erfana@maaref.ac.ir

### الف) مقدمه

بر اساس نصوص دینی و متون معتبر، ساحت مهم اثرگذاری دین بر تمدن، ساحت مربوط به بنیان اندیشه‌ای تمدن است که بر اساس آن دین، بنیانها و روح حاکم بر تمدن مد نظر و جهت‌گیری‌های اصلی آن را پی می‌ریزد و به این ترتیب، همچون خون جاری در رگهای اندام زنده و روح هویت‌بخش موجود زنده، در همه ابعاد و لایه‌ها و اجزا و اضلاع تمدن رخنه می‌کند و بر آن سایه می‌افکند. نگاه راهبردی اسلام از حیث تمدنی، دارای اصول بنیادینی است که عموماً به ماهیت ایدئولوژی اسلامی برمی‌گردد. آموزه قرآنی امت، از اصول مذکور است که مبنای ظرف و آرمان اجتماعی برای تحقق تمدنی اسلام است که سطح تحلیل آن فرامنطقه‌ای، فرانژادی و فراقومی است. آموزه امت اسلامی در قرآن کریم، از ثواب فرهنگی و تمدنی اسلام است.

چون ژرف بنگریم این آموزه جایگاه و قابلیت‌های فراوانی در احیا و تجدید حیات تمدنی مسلمانان دارد. جوامع اسلامی از اقوام و فرهنگهای مختلف، با تجربیات عظیم تاریخی متفاوت تشکیل شده‌اند. نگرشهای متفاوت موجود میان گروههای عمده نژادی و قومی می‌تواند نوعی سوء تفاهم و حتی درگیری میان آنان ایجاد کند. تأثیر این انشعابات نژادی و قومی، بسته به مورد آن، اغلب در مقایسه با جنبه‌های وحدت‌بخش فرهنگ اسلامی بیشتر است. بررسی وضعیت جهان اسلام بیانگر وجود شکافهای اجتماعی، قومی، مذهبی و نژادی فعال در بین مسلمانان است. برای حل و رفع بحرانهای حاصل از این گسیختگی‌ها در سطح اجتماعات اسلامی باید به ابزار لازم برای برانگیختن حس همبستگی مسلمانان تجهیز شد. با همه این احوال، شاید هنوز پاسخی روشن‌گر و عملی برای اینکه ماهیت فرهنگی و تمدنی آموزه امت در قرآن کریم چیست و این آموزه چه نقشی در هویت‌یابی تمدنی در جهان اسلام ایفا می‌کند، فراهم نیامده است.

نباید از نظر دور داشت که شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی»، مهم‌ترین مطالبه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم است. در این زمینه نظریه‌پردازی و از همه مهم‌تر «مسئله‌آفرینی» در مقیاس تمدنی اهمیت می‌یابد؛ یعنی علاوه بر آنکه اندیشمندان باید در پی نوآوری، ابداع نظریه و خلق پدیده فکری تازه باشند، باید بکوشند جامعه را نسبت به آنچه باید بدانند و اکنون صورت مسئله برای آنها دانسته نیست، آگاه کنند. آنچه در این ارتباط مهم است، رابطه مسئله‌ها با نیازهای اولویت‌دار جهان اسلام است؛ از این رو، سخن از نقش آموزه امت در شکل‌گیری هویت واحد تمدنی اهمیت می‌یابد.

در این جستار، فرض بر این بوده که آموزه امت، ظرفیت و قابلیت انسجام‌بخشی در تمدن اسلامی را داراست. این آموزه، تعاملات اجتماعی در جهان اسلام را در مداری مشخص و هدفی معلوم قرار می‌دهد و هویت تمدن اسلام را عینیت می‌بخشد. از این رو، برای نشان دادن صحت این استدلال، تلاش می‌شود که نشان داده شود:

- جوهره معنایی امت در قرآن کریم چیست؟
- کاربست این آموزه چه تأثیری در هویت‌بخشی تمدنی دارد؟

### ب) پیشینه‌شناسی پژوهش

با وجود پرشمار بودن بعضی نوشته‌ها در موضوع امت، نوعاً فاقد رویکرد فرهنگی و تمدنی‌اند. حتی عالمانه‌ترین نگاه‌ها، گاهی به دلایلی مانند توجه به بعد و ابعاد خاصی از موضوع، مثلاً رویکرد تفسیری و فروگذار کردن یا نادیده گرفتن همه ابعاد، ناقص‌اند. از طرفی، برخی از این نگاه‌ها، فقط انعکاس طرز تلقی حوزه خاصی درباره آموزه امت‌اند. در این زمینه برخی صرفاً به این آموزه از حیث تقریب مذاهب نگریده‌اند.

در پیوند میان آموزه امت و تمدن‌سازی، مهم‌ترین یافته‌های حسین جوان آراسته (۱۳۷۹) در مقاله «امت و ملت، نگاهی دوباره»، نشان می‌دهد آموزه امت در نظام معنایی اسلام فراتر از کاربست ملت در ادبیات سیاسی جهان است. وی رویکردی سیاسی به مقوله امت و ملت دارد. نعمت‌الله پیغان (۱۳۸۰) مقاله «امت واحده؛ از همگرایی تا واگرایی» را با رویکردی تقریبی نگاه‌ها و در آن تأکید کرده است که منظور از امت واحده این است که با حفظ اختلافات، مسلمانان نسبت به هم همدلی داشته باشند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و مصالح متقابل را رعایت کنند. همچنین منظور از «وحدت امت اسلامی»، وحدت مواضع اعتقادی و فقهی و عدم بیان آنها نیست. محمدعلی قاسمی (۱۳۸۹) مقاله «دیالکتیک امت و ملت در آرای امام خمینی» را با رویکرد اندیشه‌شناسی کاویده است. حسن کامران و محمود واثق (۱۳۸۹) بر خلاف تصور رایج از مفهوم امت، مقاله «تحلیلی جغرافیایی از واژه قرآنی امت» را به فرجام رسانده‌اند. در این نوشته، با وجود تصور رایج، بر این موضوع تأکید شده است که واژه امت، مفهومی دو وجهی به شمار می‌آید که همزمان، هم واجد ویژگی‌های مکانی و سرزمینی است و هم دارای ویژگی‌های فراسرزمینی. امان‌الله شفافی (۱۳۹۱) کوشیده است تا قلمرو مفهومی آموزه امت واحده را در رابطه با جوامعی که در آن چند دین پیرو دارد، در مقاله «تبیین قلمرو آموزه امت در جوامع چند فرهنگی» واکاوی کند. نگارنده معتقد است که باید با رویکرد موسّع و فراتر از معیار عقیده، مفهوم «امت» را مورد لحاظ قرار داد. شکاف ایدئولوژیک موجود میان مسلمانان و غیر مسلمانان ساکن در یک جامعه چند فرهنگی، مانع از تبدیل شدن آنان به ملتی واحد نخواهد شد.

## ۲۹۴ ♦ آموزه قرآنی امت و اثربخشی آن در تحقق هویت واحد تمدنی در جهان اسلام

### ج) جوهره معنایی واژه قرآنی امت

قرآن کریم واژه «امت» را در معانی جدید و متعددی به کار برده است. در قرآن، واژه امت به صورت مفرد یا جمع، در مجموع ۶۴ بار به کار رفته (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۱۱۲)؛ ولی در همه موارد، یک معنا از آن مراد نشده است. در تفسیر نمونه و ذیل آیه ۵۲ سوره مؤمنون<sup>۱</sup> ادعا شده در تمام مواردی که کلمه «امت» در قرآن مجید به کار رفته، معنی جمعیت و گروه از آن اراده شده است، مگر در بعضی موارد استثنایی مانند آیه ۲۲ سوره زخرف که با قرینه خاصی توأم بوده و امت مجازاً به معنای مذهب به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۵۸). تفسیری در وجوه قرآن، معانی متعدد واژه امت در قرآن را در ۹ دسته طبقه‌بندی کرده است (تفلیسی، ۱۳۸۶: ۲۹). طبرسی در مجمع‌البیان، امت را مشتق از «أم» می‌داند که در لغت به معنای «قصد» است. ایشان کاربرد معنایی این واژه را در هشت وجه می‌داند: جماعت، پیروان انبیا چون بر مقصد و هدف واحدی اجتماع کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۴۰۱)، امام چون دیگران به وی اقتدا می‌کنند، دین، زمان، قامت انسان، نعمت چون نعمت قصد می‌شود و مادر، کاربردهای هشت‌گانه این واژه از دیدگاه طبرسی‌اند. (همان، ج ۲: ۸۰۶)

با تحلیل مطالب گذشته و نیز دیگر تفاسیر باید گفت که امت در قرآن کریم در سه معنای کلی و ۱۲ مصداق کاربرد داشته است. «صنفهای مختلف از موجودات زنده» اولین کاربرد معنایی امت است. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه امتهایی همانند شما هستند». (انعام: ۳۸)

«دین و آیین» دومین کاربرد معنایی امت است. خدای متعال می‌فرماید: «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهٖ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ» (زخرف: ۲۲). مقصود از امت که مشرکان جاهلی آن را بهانه ایمان نیاوردن قرار داده بودند، آیین پدران و نیاکانشان بوده است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «علی‌امه ای علی دین مجتمع» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۸۶). علامه طباطبایی نیز در المیزان می‌نویسد: مقصود از امت، دین است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۸: ۹۳)

خداوند متعال در یکی دیگر از آیات می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً قَبَعَتَ اللَّهُ النَّبِيَّ مَبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ» (بقره: ۲۱۳). بسیاری از مفسران معتقدند مقصود از «امت واحده» دین و آیین است. شیخ طوسی می‌نویسد: «امت واحده» به معنای «اهل ملت واحده» است. سپس به یکی از اشعار استشهاد می‌کند که در آن کلمه امت به معنای ملت و آیین آمده است. (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۴)

۱. امت ۶۴ بار در ۶۲ آیه از ۲۵ سوره به کار رفته که ۴۷ مورد آن در سور مکی و ۱۷ مورد آن در سور مدنی است. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی که انتظار می‌رفت احصای دقیقی ارائه دهد، تعداد استعمال آن را ۶۵ بار دانسته است (انصاری، ۱۳۹۳، ج ۱۰: ۱۹۲). (برای اطلاع تفصیلی، رک: نصیری، ۱۳۸۲، ج ۴: ۲۵۴)

۲. «وَ اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»؛ در حقیقت، این امت شماسست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم. پس، از من پروا دارید. (انبیاء: ۹۲)

سومین کاربرد معنایی امت، «مدت و زمان» است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لِّيَقُولُوا مَا يَجِبُ...» (هود: ۸). طبری می‌نویسد: امت در اصل به معنای جمعیتی است که بر یک دین اجتماع کرده باشند. سپس در این آیه و مانند آن به معنای زمان و مدت نیز آمده است؛ با این مناسبت که امت در زمان قرار دارد. وی سپس با سندهای مختلف از ابن عباس و قتاده و مجاهد نقل می‌کند که گفته‌اند: «الی امة معدودة» به معنای مدت و زمان محدود و معین است (طبری، ۱۴۱۵، ج ۷: ۱۰). شیخ طوسی و طبرسی اولین معنا در این آیه را مدت و زمان دانسته‌اند و آن را نظیر آیه ۴۵ سوره یوسف می‌دانند که فرموده است: «وَأَذْكُرْ بَعْدَ أُمَّةٍ» (طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۴۵۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۲۱۸).

در مواردی که امت به معنای «گروهی از انسانها» به کار رفته، با ملاحظه این موارد و تبیین و تفسیرهایی که از آیات مشتمل بر این کلمه ارائه شد؛ می‌توان گفت که جهت مشترکی بین گروهی از انسانها لحاظ شده است؛ گاهی وحدت زمان، گاهی وحدت مکان، گاهی وحدت عقیده و گاهی وحدت نوعی رفتار میان افراد لحاظ شده است. بنابر این، به این نتیجه می‌رسیم که کلمه «امت» به معنای مجموعه‌ای از انسانهاست و هر نوع وحدتی که بتوان میان گروهی از انسانها در نظر گرفت، واژه «امت» قابل اطلاق بدان است.

به نظر می‌آید در آیاتی که «امت» به معنای ملت واحد، دین و طریقت واحد به کار رفته است، صحبت از گروه و جماعتی از مردم است که دارای راه و روش خاصی در زندگی اجتماعی‌شان بوده‌اند. منظور این است که قرآن کریم هنگام پرداختن به مباحث مربوط به گروههای مردمی، آنان را به صورت مجموعه‌ای در نظر می‌گیرد که دارای زندگی اجتماعی بوده و برای خودشان آیین، آداب و رسوم خاصی داشته‌اند؛ لذا افراد را به صورت مجزا و تک تک در نظر نگرفته است، بلکه به خصوصیت جمعی و زندگی اجتماعی آنان نظر دارد.

با اندیشه در آنچه گذشت، باید افزود که از نظر علامه طباطبایی به طور کلی معنای کلمه «امت»، از نظر عمومیت، وسعت، خصوصیت و ضیق، تابع مواردی است که لفظ امت در آن استعمال می‌شود یا تابع معنایی است که گوینده از لفظ اراده کرده است. برای مثال، در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران،<sup>۱</sup> با در نظر داشتن مقام آن، که مقام منت نهادن و تعظیم و ترفیع شأن امت است، بی‌شک شامل تمامی امت اسلام نمی‌شود. آن‌گاه نتیجه می‌گیرد که معنای کلمه امت بر حسب اختلاف موارد، معانی مختلفی دارد. ایشان ذیل آیه

۱. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتُ الْكِتَابِ لَكُمْ خَيْرٌ لَّهُمْ مِنْهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّكُمْ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ هِيَ أَحْسَنُ» (آل عمران: ۱۱۰).  
 داربند. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند و اهل کتاب بیشترشان نافرمانند». (آل عمران: ۱۱۰)

## ۲۹۶ ♦ آموزه قرآنی امت و اثربخشی آن در تحقق هویت واحد تمدنی در جهان اسلام

۲۱۳ سوره بقره<sup>۱</sup> در مقایسه میان ناس و امت می گوید: ناس عبارت است از افرادی از انسان که دور هم جمع شده باشند، امت نیز همین معنا را داراست. ولی ایشان با توجه به ریشه لغوی امت، معتقدند اگر امت بر جماعت اطلاق شده، بر هر جماعتی اطلاق نشده، بلکه جماعتی است که افراد آن یک «مقصد» و یک «هدف» داشته باشند و این مقصد واحد، رابطه واحدی میان افراد باشد. به همین سبب، توانسته‌اند این کلمه را بر یک فرد نیز اطلاق کنند. ایشان تأکید می‌کنند اطلاق این واژه بر دیگر معانی نیز به همین سبب است. از این رو، ایشان امت در آیه ۹۲ سوره انبیا را به معنای جماعتی می‌دانند که مقصد واحدی آنها را جمع کرده باشد. به بیان ایشان، خطاب در آیه شریفه به طوری که سیاق آن گواهی می‌دهد، خطاب است عمومی، که تمامی افراد مکلف بشر را در بر می‌گیرد. مراد امت در اینجا نوع انسان است، که معلوم است نوع برای خود وحدتی دارد و همه انسانها در آن نوع واحدند و آیه را چنین معنا می‌کنند که این نوع انسانی، امت شما بشر است و این هم واحد است (همه در انسانیت واحد هستند). پس امت واحده‌ای هستید و من - الله - پروردگار شما هستم؛ زیرا مالک و مدبر شمایم، پس تنها مرا، و نه دیگران را، پیرستید. ایشان امت را جماعتی از مردم می‌دانند که مقصد و هدف واحدی آنان را گرد هم آورده است. این هدف ممکن است دین، سنت، زمان و مکان واحد باشد؛ زیرا ریشه لغوی این واژه، از قصد است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۷، ۷۲)

اگرچه با توجه به سیاق آیات باید معنای متناسبی برای این واژه یافت؛ اما آنچه در این زمینه بسیار مهم می‌نماید، این است که علامه طباطبایی تأکید دارد که در تمامی کاربرد این واژه باید مفهوم «قصد» اراده شود (فیاضی‌بخش و روحی، ۱۳۸۷: ۲۵). البته به نظر می‌رسد آنگاه که امت ناظر و منصرف به مسلمانان است، مراد کل مسلمانان در طول تاریخ یا گروهی از آنها بوده است. بنابر این، امت آن گروه انسانی است که دارای هدف و قصد مشترک باشند و در چند ویژگی اشتراک داشته باشند.

این هدف واحد و ویژگی مشترک، در گروههای مختلف، با یکدیگر متفاوت است. بنابر همین خصوصیت، این اصطلاح بر «کفار» هم اطلاق می‌شود. راغب اصفهانی امت را به معنای تمام گروهها و جماعتی دانسته که به خاطر امر و هدفی گرد هم آمده باشند؛ آن امر واحد ممکن است دین یگانه، زمان واحد یا مکان واحد باشد. اجتماع این افراد، چه اجباری و چه اختیاری باشد، به هر صورت آن گروه واحد را «امت» گویند. پس اشتراک در کفر و شرک نیز می‌تواند موجب اطلاق «امت» به کفار و مشرکان شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۷). چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «هر بار که امتی [در آتش] درآید، هم‌کیشان خود را لعنت کند». (اعراف: ۳۲)

۱. «كَانَ الْإِنْسَانُ أُمَّةً وَاحِدَةً قَبْلَ أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ السُّبُورَ مِنْ سَمَوَاتِهِمْ وَنَزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ الْإِنْسَانِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»؛ مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نازل کرد و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. (بقره: ۲۱۳)

گفتنی است که در التحقیق تأکید شده است که اصل واحد در این واژه، «قصد مخصوص» است؛ یعنی قصد به همراه توجه خاص و این معنی در تمامی واژه‌های مشتق شده این ریشه نظیر أم، امت، إمام و امام لحاظ شده است. امت نیز بر چیزی که به طور مشخص قصد شده و به آن توجه شده است دلالت دارد. حال این امت ممکن است بر افراد، زمان، عقیده و فکری یا شخص ممتازی دلالت کند. (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۴۹)

نکته‌ای که در این زمینه می‌توان برکشید، اینکه وجود قصد و هدف و آرمان مشترک، خصوصیت عمده «امت» است. با توجه به این ویژگی می‌توان گفت افراد این جامعه دارای حداکثر همسانی و یگانگی بین خود بوده و اختلافی بین آنان به چشم نمی‌خورد. به همین سبب، علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلِنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۳)، منظور از امت واحد قرار دادن مردم را رفع اختلاف از میان آنان می‌داند و مقصود این آیه را چنین بیان می‌کند که اگر خداوند متعال می‌خواست، همه مردم را از نظر هدایت و سعادت یک‌جور خلق می‌کرد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۷۸)

مختصر اینکه، اساسی‌ترین عامل وحدت و پیوند اجتماعی، حرکت مردم روی خط و راه مشخصی است که آگاهانه در جهت مقصد معینی انتخاب کرده‌اند و رهبری مشترک، لازمه این نوع وحدت و پیوند اجتماعی است. از این رو، دو واژه «امام» و «امت» در تحلیل نهایی دارای دو معنی متلازم و به تعبیر منطقی، نسبی و متضایفین هستند؛ چون اگر مقصدی در بین نباشد یا راهی برای نیل به آن مقصود نباشد، هرگز انسجام تحقق نمی‌پذیرد و مقصد بدون راه یا راه بدون هدف، عامل هماهنگی و اتحاد جامعه نخواهد بود؛ زیرا زمینه حرکت در آن وجود ندارد. امام است که در امت اسلامی راه، مقصد و نحوه حرکت را مشخص می‌سازد.

#### د) امت در نظام معنایی اسلام

چنین می‌نماید که کاربرد واژه «امت» برای گروهی از انسانها که بر اساس دین و احکام الهی و رهبری الهی متحد شده و اقدام به تشکیل یک جامعه دینی با اهداف مشترک کرده‌اند، اولین بار توسط قرآن صورت گرفته است؛ زیرا واژه امت در میان عربها، مفهومی جامعه‌شناختی نداشته و بیشتر در معنای «آیین و دین» به کار می‌رفته است. در میان اعراب آن روزگار، واژه‌هایی مانند قبیله، حی و قوم، از مهم‌ترین واژه‌های اجتماعی به کار رفته در میان آنان است؛ زیرا در حجاز و عربستان آن دوران، عامل اصلی ایجاد جامعه و تشکلهای گروهی، روابط نسبی، خونی و خویشاوندی بوده است.

در فرهنگ اسلامی، پیوند اساسی و مقدس افراد انسانی بر پایه اشتراک در خون و نژاد یا خاک و سرزمین و نیز تجمع و اشتراک در یک مقصد و آرمان (به هرگونه که باشد) و نیز بر اساس اشتراک در منافع طبقاتی نیست؛ بلکه بر اساسی‌ترین عامل وحدت و پیوند اجتماعی، حرکت مشترک مردم بر راه مشخصی

## ۲۹۸ ♦ آموزه قرآنی امت و اثربخشی آن در تحقق هویت واحد تمدنی در جهان اسلام

است که آگاهانه در جهت معینی انتخاب کرده‌اند و رهبری مشترک، لازمه این نوع وحدت اجتماعی است. (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۳۰۳)

گفتنی است که در بررسی آیات قرآن کریم حول محور موضوعی «امت»، به این مهم رهنمون می‌شویم که این واژه و مفهوم در نشان دادن سیمای جامعه دینی مسلمانان، نسبت به واژه‌های دیگر رساتر می‌باشد. واژه امت با معانی «جامعه»، «ملت»، «کشور» و «وطن»، تفاوت اساسی و بنیادین دارد؛ چون ملاک در چهار مورد اخیر، ویژگی‌های نژادی، جغرافیایی و ملی است؛ در حالی که ملاک و معیار اصلی در «امت اسلامی»، وحدت عقیدتی، فرهنگی و جهان‌بینی دینی است. بنابر این، در اندیشه تمدنی اسلام که در مفهوم «امت» متبلور است، محدودیتها و مرزبندی‌های جغرافیایی و مکانی، تعصبات قومی و نژادی و زبانی هیچ نقشی ندارند و اصلاً مد نظر نیستند؛ بلکه ملاک و معیار در امت اسلامی، وحدت عقیدتی و التزام به تعالیم جهانی قرآن کریم است. شریعتی نیز تأکید می‌کند اسلام به جای واژگانی چون ملت، قبیله، قوم، شعب، طبقه، اجتماع، طائفه، جامعه، نژاد و...، از کلمه «امت» استفاده کرده است. کلمه امت از ریشه «ام» به معنی آهنگ، قصد و عزیمت کردن است و این معنی ترکیبی است از سه معنی حرکت، هدف و تصمیم خودآگاهانه و چون در ریشه ام، مفهوم جلوه پیش روی نیز نهفته است؛ بنابر این، چهار عنصر این معنی مرکب را می‌سازند: انتخاب، حرکت، پیش رو و مقصد (شریعتی، ۱۳۵۷: ۴۰-۳۶). پس امت، عبارت است از جامعه انسانی‌ای که همه افرادی که در یک هدف مشترک‌اند، گرد هم آمده‌اند تا بر اساس یک رهبری مشترک، به سوی ایدئال خویش حرکت کنند (همان: ۴۴). امت، جامعه‌ای نیست که افراد در آن احساس راحتی و سعادت را کد بکنند. امت، جامعه‌ای است که افراد انسانی که هم‌فکر، هم‌عقیده، هم‌مذهب و همراهند؛ نه تنها در اندیشه مشترک‌اند، که در عمل نیز اشتراک دارند. به همین دلیل، امت با قومیت ناسازگار است. (همان: ۵۷)

### ه) اثربخشی کارکردگرایانه آموزه قرآنی امت در خلق هویت واحد تمدنی

برای بقای هر جامعه یا هر نوع نظام اجتماعی، ضروری است که کنشگرانش «هویت» داشته باشند و در عین حال نسبت به این هویت و هویت دیگران آگاه باشند. هویت<sup>۱</sup> در معنای لغوی؛ یعنی حقیقت و ماهیت چیزی؛ یا هویت، پاسخ به سؤال چه کسی بودن و چگونه بودن است. هویت به مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساساتی گفته می‌شود که فرد آنها را از طریق کنش متقابل با دیگران و یافتن تصوراتی از خود درمی‌یابد (طایی، ۱۳۷۸: ۲۶۵؛ اکبری، ۱۳۸۴: ۳۱۷). بنابر این، پاسخ به پرسش از چیستی یک تمدن، تعریف هویت آن است. ضرورت سخن از هویت تمدنی در این است که کنشگران بی‌هویت، از

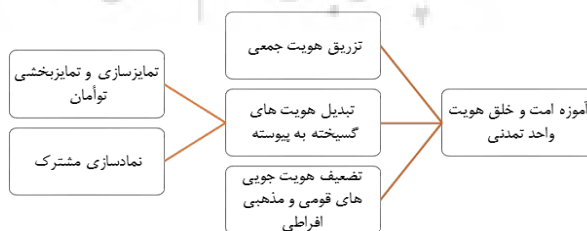


انجام رفتارهای اجتماعی، ایجاد ارتباط با دیگران، جای گرفتن در مناسبت‌های اجتماعی و تبعیت از فرایندهای جمعی عاجزند. از میان رفتن هویت شبیه ابتلا به نوعی فراموشی است که جامعه را تقریباً از تمام قابلیت‌های اجتماعی اش محروم می‌کند. هویت، نقش تعیین‌کننده‌ای در قوام و دوام حیات سیاسی یک جامعه ایفا می‌کند و حتی برای تعیین مسیر زندگی جمعی در آینده و اهداف ملی، نقش خاصی را بر عهده می‌گیرد.

راست اینکه هویت‌های متکثر گروه‌ها و جوامع، همیشه حاوی شباهت‌هایی در درون خود و تمایزاتی از سایرین بوده‌اند. این تشابه‌ها از یک سو یکسانی و وفاق را میان این گروه‌ها به وجود می‌آورد و از سوی دیگر، حدود روابط آنها را با سایرین روشن می‌سازند. آنچه همیشه برای این گروه‌ها می‌تواند به عنوان نگرانی اصلی به شمار آید، مسئله حفظ تشابه‌ها و مرزهای تعیین‌کننده روابط ایشان است. این نگرانی موجب شده تا هویت‌های متکثر در تلاش برای حفظ موجودیت خود به تقویت هویت‌های جمعی اقدام کنند. از جمله هویت‌های مورد توجه، «هویت جمعی اسلامی» است. هویت جمعی اسلامی دارای کثرت و تنوع است و می‌توان گروه‌ها، نژادها، قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف و متکثری را در این میان شاهد بود. پیشنهاد اسلام برای برون‌رفت از اختلافات میان جوامع مسلمان - که این اختلاف نیز زاییده کثرت و تنوع این جوامع است - ایجاد هویت جمعی واحد میان جوامع اسلامی است که در قالب مفهوم «امت» متبلور می‌شود. این مفهوم بر همبستگی میان این جمع‌های متنوع بر اساس «مؤلفه‌های مشترک» تأکید می‌کند. هویت‌یابی تمدنی اسلام سبب تعامل خرده‌نظامها در روندی همسو و هماهنگ می‌شود.

نباید از نظر دور داشت که بدون وحدت سیاسی، وحدت فرهنگی و همچنین انسجام اسلامی، نمی‌توان به وحدت تمدنی و فراگیر اندیشه کرد و آن را عینیت بخشید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۵۶). آنچه در نهایت به یک تمدن وحدت می‌بخشد، غایت غیر مادی داشتن است. غایات مادی به لحاظ تکثر خیز بودن عالم ماده، هرگز نمی‌توانند وحدت‌ساز باشند. آنجا که عناصر تمدنی ذیل یک امر فرامادی و معنوی قرار بگیرند، می‌توانند وحدت‌بخش باشند. (همان: ۸۸)

آموزه امت با «تزریق هویت جمعی»، «تبدیل هویت‌های گسیخته به پیوسته» و «تضعیف هویت‌جویی‌های قومی و مذهبی افراطی»، هویت واحد تمدنی را خلق می‌کند.



نمودار ۱: نقش هویت‌بخش تمدنی آموزه امت

### ۱. تزریق هویت جمعی

ویژگی هویت آن است که بر مبنای طبیعت مدنی انسانها در جامعه ساخته می‌شود و خود آن طبیعی و ذاتی نیست. قدرتهای مسلط همواره دست‌اندرکاران هویت‌سازی بوده و برای حفظ آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند؛ پس اگر هویتها ساخته می‌شوند، باید مصالح و منابعی برای آنها وجود داشته باشد. به بیان دیگر؛ هر جامعه باید منابعی هویت‌بخش و معناآفرین را در اختیار اعضای خود قرار دهد تا آنها بتوانند بدین وسیله هویت یافته، زندگی خود را معنادار کنند. شرایط و چارچوب لازم برای ترکیب، پردازش و بازتعریف منابع هویت‌بخش هم توسط جوامع و گفتمانهای مسلط فراهم می‌شود.

منظور از هویت‌بخشی جمعی، ارائه راهکارها و پاسخگویی مناسب و منطقی مبتنی بر ایمان مذهبی و جهان‌بینی الهی به نیازهای گوناگون جامعه اسلامی است و نیز کمک کردن به آنان برای یافتن پاسخهای درست به پرسشهای مربوط به هویت است. هویت‌یابی مسلمانان در گرو برطرف شدن این دغدغه‌ها، تأمین نیازهای مشروع و یافتن پاسخ پرسشها و دست یافتن به تصویری مبتنی بر ایمان از خویشتن، جامعه و جهان است تا خویشتن خویش را دریابد، جایگاه واقعی‌اش را پیدا کند و نسبت به اجتماع، جهان آفرینش و اندیشه‌های ناب دینی احساس تعلق و وابستگی کند؛ به جامعه‌ای مستقل، عزتمند و با ارزش دست یابد و در پرتو آن بتواند در نشیب و فراز اتفاقات و حوادث به آسانی بگذرد و جهت‌گیری معقول و مناسبی داشته باشد.

می‌توان بر این باور پای فشرد که دین مهم‌ترین منبع برای هویت و معنابخشی است؛ زیرا به پرسشهای بنیادین پاسخ می‌دهد، به زندگی جهت می‌بخشد، روابط اجتماعی را تحکیم می‌بخشد و وحدت اعتقادی ایجاد می‌کند. ساموئل هانتینگتون معتقد است برای کسانی که با پرسشهایی از این دست روبه‌رویند که «من کیستم» و «به کجا تعلق دارم»، دین پاسخهای قانع‌کننده‌ای دارد. (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۱۵۳)

آموزه امت‌نشانگر عمق نگاه اسلام به موضوع هویت است؛ زیرا میان مسلمانان با وجود اقوام، مذاهب، نژادها و زبانهای گوناگون، تنها مؤلفه‌ای که از حداکثر گستردگی و نفوذ برخوردار باشد، دین اسلام است. بنابر این، بازسازی هویت دینی مبتنی بر مؤلفه دین اسلام و ارزشهای اسلامی، به صورت بالقوه دارای بیشترین ظرفیت وحدت‌بخش در میان مسلمانان است که خود از مؤلفه‌های اصلی قدرت به شمار می‌رود. مبتنی بر چنین اندیشه‌ای، مرزهای ملت و جغرافیا درنور دیده می‌شود و به حکم آیات الهی، اصالت به «امت» داده می‌شود.

اضافه می‌کنم که هویت‌بخشی آموزه امت، از سنخ هویت جمعی است. هویت جمعی به رابطه میان خود و دیگران در متن جامعه اشاره دارد که در پرتو تعامل افراد با یکدیگر، هویت اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت اجتماعی عبارت است از: «آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از خودآگاهی او نسبت به

### امیرمحسن عرفان ♦ ۳۰۱

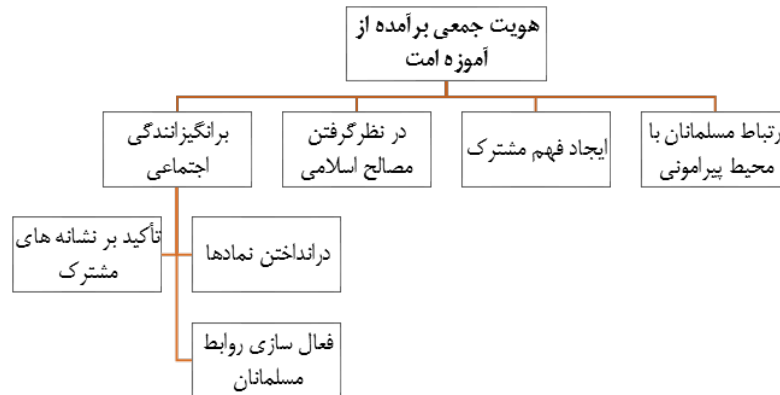
عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منضم به عضویت». (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۲)

هویت به معنای اجتماعی آن، در عرصه جغرافیای مشترک انسانی و روابط تنگاتنگ و درهم‌تنیده آنان با یکدیگر شکل می‌گیرد. «هویت جمعی چیزی نیست جز تعریفی مشترک از میدان فرصتها و محدودیتها که به [صورت] یک کنش جمعی عرضه می‌شود. مشترک به این معنا که امری از طریق فرایند مکرر «فعال ساختن» روابط اجتماعی، بازیگران را به هم پیوند می‌دهد، برساخته می‌شود و از طریق مذاکره و توافق شکل می‌گیرد». (همان: ۲۰۶)

وقتی شخصی خود را مسلمان معرفی می‌کند، در واقع به تعریف هویت خود می‌پردازد. مسلمانی هویتی است که فارغ از هرگونه تفاوت‌های نژادی، زبانی، قومی و فرهنگی می‌تواند کل جمعیت ساکن در سرزمینهای اسلامی را برابر و هم‌شان جلوه دهد. لذا از هرگونه شک و شبهه ایدئولوژیکی و تعصب‌نگرانه (که در هویت ملی و قومی بسیار نمود پیدا می‌کند) فارغ می‌شود. مسلمانی به وضعیتی اشاره دارد که طی آن تمامی افراد یک دین از نظر مسئولیتها و تکالیف و حقوق و امتیازات در وضعیتی برابر (یا نسبتاً برابر) قرار می‌گیرند. در تحلیل نهایی، نتایج و پیامدهای استقرار و تثبیت هویت جمعی برآمده از آموزه امت اسلامی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. شکل‌گیری هویت جمعی در جهان اسلام با شکل دادن به ذهنیت مسلمانان و ترسیم اهداف، مسلمانان را در ارتباط با واقعیت و محیط پیرامونشان قرار می‌دهد.
۲. هویت جمعی برآمده از آموزه امت واحده با در انداختن نمادها و نشانه‌های مشترک و فعال ساختن روابط میان افراد، موجب برانگیزانندگی اجتماعی در زمینه اهداف اسلامی می‌شود.
۳. چنین هویتی موجب در انداختن و طرح مفاهیمی نظیر مصالح اسلامی و منافع جمعی به عنوان برساخته‌های جمعی مشترک می‌شود که موجبات کارآمدی و هدفمندی مسلمانان را فراهم می‌آورد.
۴. شکل‌گیری هویت جمعی، اجماعی نسبی و فهمی مشترک از امور که وفاداری و اعتماد عمومی را موجب می‌شود، به وجود می‌آورد.

## ۳۰۲ ♦ آموزه قرآنی امت و اثربخشی آن در تحقق هویت واحد تمدنی در جهان اسلام



نمودار ۲: کارکردهای هویت جمعی برآمده از آموزه امت

برای تبیین جایگاه هویتی آموزه امت باید توجهی نیز به هویت ملی داشت. دنیای مدرن، دنیای هویت‌های ملی متمایز است. در چنین فضایی، «هر شخصی به وسیله یک هویت ملی واحد وابسته به یک دولت یا کشور تعریف می‌شود» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۳۵). هویت ملی اصطلاحی نسبتاً متأخر است که جایگزین اصطلاحاتی نظیر منش ملی، و بعدها آگاهی ملی شده است که عمدتاً در قرون هجدهم، نوزدهم و اوایل بیستم استفاده می‌شدند. آنتونی دی. اسمیت، هویت ملی را این‌گونه تعریف می‌کند: «بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزشها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و عناصر فرهنگی‌اش» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۹). تعریف اسمیت به یک ویژگی مهم هویت اشاره دارد و آن، تداوم در عین تغییر است. هویت ملی یا هر هویت دیگری، امری ثابت و بدون تغییر برای همیشه نیست، بلکه خصلتی است اجتماعی که در بستر و متنی اجتماعی ظهور و تداوم پیدا می‌کند. بنابر این، در اثر شرایط و تحولات مختلف با تغییراتی نیز روبه‌رو می‌شود.

وجه بارز تمایز مفهوم امت از ملت در جنس آن است. امت دارای روح، ارزشها، معنویت و به عبارتی؛ کلی مؤلفه‌های فرهنگی و اعتقادی است که پرورش انسان در مسیر کمال الهی و فعلیت یافتن هویت الهی را ممکن می‌سازد و دارای کارویژه‌ای است که هویت‌های کم‌رنگ‌تر همچون قومی، ملی، منطقه‌ای و نژادی را با خود هم‌جهت می‌کند و به آنها هویتی واقعی و وحدت‌بخش می‌دهد.

فراغوش نکینم که مرزهای سرزمینی در جهان، مهم‌ترین مشخصه تفکیکی هویت‌های ملی است. همان‌گونه که لوسین دبلیو پای می‌نویسد: «مقوله هویت ملی در ابتدایی‌ترین شکل خود، با نوعی احترام به مرزهای جغرافیایی یک کشور و پذیرش آن توسط تمامی کسانی ارتباط دارد که در درون آن مرزها قرار دارند و همگی در میثاقی مشخص و مشترک در باب جامعه‌ای عالی‌ه سهمین‌اند» (لوسین پای و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

جدول ۱: لوازم مفهومی هویت در دو پارادایم امت و ملت

متغیر دوره	ملت	امت
منبع هویت	انسان	دین
منبع مشروعیت	رضایت	شرع
شان انسان	سوزده قانونگذار (شهروند)	خلیفه‌اللهی
جامعه مطلوب	دموکراتیک	ولایی
انگیزه عمل	خلافت	تکلیف‌مداری
بازیگر فعال	شهروندان(خودکفایی عقل در حل منازعات)	انسان (عقلانیت همسو با وحی)
ملاک تمایز	جغرافیا، وطن، زبان و نژاد	عقیده و اعتقادات دینی

## ۲. تبدیل هویت‌های گسیخته به پیوسته

هویت‌بخشی آموزه امت، بدون کارویژه جهت‌دهی ممکن نیست؛ زیرا انسجام و همبستگی اسلامی لزوماً با محوریت «هدف مشترک» ایجاد می‌شود و بدون هدف و جهت مشترک نمی‌توان همبستگی اعضای یک گروه یا جوامع را حفظ کرد (گیرنا، ۱۳۸۰: ۱۳۷). بازنمایی فرایند مدیریت خرده‌هویت‌های متعارض در سایه آموزه مهدویت عبارتند از:

### یک) تشابه‌سازی و تمایزبخشی توأمان

یکی از بارزترین کارکردهای جامعه‌شناختی عناصر هویتی، تشابه‌سازی و تمایزبخشی توأمان است. این ویژگی در هر یک از این عناصر همانند دین یا مذهب، زبان، سرزمین و... ظهور دارد. برای مثال، زبان فارسی در مقام زبان ملی ایرانیان، به طور همزمان ملت ایران را در یک عنصر به نام زبان ملی مشابه می‌سازد و همزمان نسبت به دیگر ملت‌هایی که دارای زبانهای متفاوت‌اند، متمایز می‌کند. به عبارت دیگر؛ هر فرد آنگاه امکان زندگی جمعی می‌یابد که خود را در منظومه‌ای از تعلقات بشناسد و به آنها دلبسته شود تا بتواند خود را بشناسد، از دیگران تمایز دهد و در نظامی از تشابه و تمایز همزمان خود و دیگران را معنا کند، تعیین جایگاه کند، روابطش را شکل دهد و گروهها و جوامع را تفکیک و ساماندهی کند. اهمیت هویت‌های اجتماعی - بلکه فردی - تا آنجاست که جامعه‌شناسان تداوم زندگی اجتماعی را بدون آن بی‌معنا و ناممکن دانسته‌اند. (لار، ۱۳۹۲: ۱۲)

فشرده سخن اینکه «تشابه‌سازی و تمایزسازی» توأمان از مهم‌ترین ظرفیتهای هویت‌بخش آموزه امت است. این ویژگی در آموزه امت سبب می‌شود تمامی مسلمانان در یک عنصر به نام اسلام مشابه شوند و همزمان آنان را نسبت به دیگرانی که دارای دینی متفاوت‌اند، متمایز کند. بر این اساس، آگاهی و احساس تعلق و وفاداری مسلمانان به آموزه امت اسلامی در جایگاه هویت‌بخش، آنان را در مجموعه‌ای واحد و

#### ۳۰۴ ♦ آموزه قرآنی امت و اثربخشی آن در تحقق هویت واحد تمدنی در جهان اسلام

دارای تشابهی به عنوان اسلام قرار می‌دهد که بر اساس آن، به همدیگر احساس تعلق خاطر کرده و خود را یکی تلقی می‌کنند.

بررسی بهتر و دقیق‌تر این موضوع به وظیفه اجتماعی انسان مسلمان در آموزه امت برمی‌گردد. برای پی بردن به این مهم، باید به تعریف جامعه‌شناختی مکتب «کنش متقابل نمادین» از من فردی و من اجتماعی توجه داشت. «بلومر» از مهم‌ترین صاحب‌نظران این مکتب است. محور نظریه این مکتب، مفهوم «خود» در انسان است. خود، برخورد دیالکتیکی من فردی و من اجتماعی افراد است. من فردی همان گرایشها و تمایلات افراد است که از خاستگاه سلیقه‌ها و غرایز و علاقت فرد برمی‌خیزد؛ همان بایدها و نبایدهایی که از درون، فرد را متمایل به انتخاب می‌کند. من اجتماعی، بایدها و نبایدهایی است که از بیرون بر فرد هجوم می‌آورد تا بر اساس الزامات اجتماعی، او را متقاعد کند که هنجارهای اجتماعی را بپذیرد. از برخورد دیالکتیکی من فردی و من اجتماعی افراد، «خود» به وجود می‌آید که در واقع نه من فردی است و نه من اجتماعی، بلکه برایندی است از هم‌فراخوانی آن دو. (ریترز، ۱۳۹۴: ۱۹۸)

نیاپد از نظر دور داشت که از نظرگاه قرآن کریم، هویت‌های ملی و قومی طرد نمی‌شوند، بلکه به مثابه هویت‌های عرضی پذیرش می‌شوند: «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.» (حجرات: ۱۳)

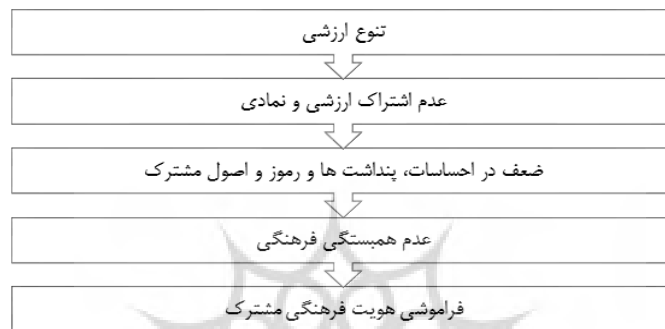
#### دو) نمادسازی مشترک

اگر «نمادها»<sup>۱</sup> را منبع وحدت و هویت فرهنگی و عاملی برای معنا بخشیدن به زندگی دینی تلقی کنیم، مفهوم نماد لزوماً به نمادهای کهن دینی منحصر نخواهد شد و به نمادهای جدید نیز قابل تعمیم خواهد بود. بر این اساس، زمانی که از برخی مکانهای مذهبی، چهره‌ها، زبان و ... نمادهایی می‌سازند که نقش گروه مرجع را بر عهده می‌گیرند، به این معنا که بسیاری از مسلمانان محور نماد شوند و صاحب نماد را از یاد برند، قهرآ میزان کارآمدی برنامه‌های تبلیغی دین در هویت‌بخشی به افراد جامعه کاهش می‌یابد. در مواجهه با این مشکل نیز دو راهکار اصلی به ذهن می‌آید که عبارتند از: کوشش برای نمادسازی منطبق بر باورها و ارزشهای دینی از طریق معرفی مجدد نمادهای واقعی و تحقق‌یافته دین و اتخاذ سیاستهایی برای حذف رویکرد نمادسازی ناموجه و اختلاف‌افکن در سطح جوامع اسلامی.

۱. نماد در لغت به معنای نمود (نمودن) است. نمودن؛ یعنی نشان دادن، ارائه دادن، آشکار کردن، به نظر رساندن، نمایش دادن و معرفی کردن (دهخدا، ۱۳۹۲، ج ۱۴: ۲۲۷۳۱). بنابر این، نماد آن چیزی است که در پس خود چیز دیگری را نشان دهد؛ چیزی که جای چیز دیگری را می‌گیرد و بر آن دلالت می‌کند.

### ۳۰۵ امیرمحسن عرفان

زمانی که تنوع ارزشی به حدی برسد که هیچ‌گونه اشتراک ارزشی و نمادی در میان نباشد، تضعیف همبستگی محقق شده است. نتیجه طبیعی عدم همبستگی فرهنگی وجود جمعی پاره‌پاره است که از فرهنگ مشترک بی‌بهره‌اند. حاصل عدم همبستگی فرهنگی در یک جمع، اختلال در نمادهاست؛ یعنی «ضعف در احساسات، پنداشتها، رموز و اصول مشترک». به تعبیر روشن‌تر؛ در صورت نبود همبستگی فرهنگی، اختلال در نمادها حاصل می‌شود و این امر مقدمه‌ای برای فراموشی هویت فرهنگی مشترک می‌شود.



نمودار ۳: نقش کثرت‌گرایی ارزشی و نمادی در فراموشی هویت فرهنگی

آموزه امت نیز با تأکید بر نمادهای مشترک قومی و مذهبی، درصدد تحقق یک هویت پیوسته است. آنچه در این زمینه مهم می‌نماید، خلق نمادهای مشترک برانگیزاننده وحدت است. در نظام فرهنگی برآمده از آموزه امت، بر نمادهای مشترک تأکید می‌شود. نمادهای مشترک ما را به مدلول این نمادها که همان ارزشهای مشترک اسلامی‌اند، رهنمون می‌سازند.



نمودار ۴: فرایند ارزشها و نمادهای مشترک در احیای هویت فرهنگی مشترک

### ۳. تضعیف هویت جویی‌های قومی و مذهبی افراطی

مسلمانان فقط تابع یک هویت واحد نیستند، بلکه به هویت‌های متعدد وابسته‌اند. شخص می‌تواند همزمان هویت ملی، هویت مذهبی، هویت قومی، هویت طبقاتی و سیاسی خاصی داشته باشد و هیچ تعارضی میان هویتها [ذاتاً] به چشم نخورد (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۷). در صورتی که بحران همبستگی و یکپارچگی حل نشده باشد و مذاهب و قومیت‌های گوناگون در صدد تمایز طلبی باشند، احتمال برخورد خرده‌هویتها با هویت کلان (امت) وجود دارد. وجود یا شدت و ضعف این بحران را نیز می‌توان به خوبی در جهان اسلام دریافت. برای نمونه، القاعده و داعش و... به هویت اسلامی پایبند نبوده و معتقدند که خودشان دارای هویت اسلامی متمایز و مستقل‌اند. پس به وضوح می‌توان مشاهده کرد که بحران همبستگی و یکپارچگی در جهان اسلام نه تنها حل نشده است، بلکه در مرحله حاد آن نیز قرار دارد. به همین دلیل، در چنین نمونه‌هایی معمولاً برخوردهای خشونت‌باری بین مسلمانان و این گروه‌های افراطی شکل گرفته، موجب بروز ناامنی‌های داخلی و منطقه‌ای می‌شود. در واقع؛ در چنین مواردی هنگامی که گروهی از افراد، خواهان در برگیری و شمولیت یک هویت کلان (اعتقادی و دینی) بر هویت قومی و مذهبی‌شان نباشند، بحران هویت ممکن است به بروز تعارضات جدی و حتی تجزیه و متلاشی شدن یک کشور بینجامد.

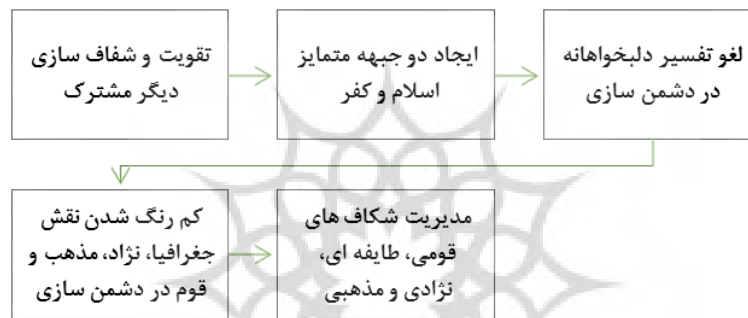
اگر جامعه اسلامی بخواهد مشارکت مسلمانان از حالت انفعالی و برانگیخته و توده‌ای به حالت خودانگیخته و خردمندانه و آگاهانه و داوطلبانه متحول شود، باید فرایند بازتولید مؤلفه‌های فرهنگ مشارکتی و فعال همچنان ادامه یابد. بنابر این، باید به منابع هویت‌ساز جمعی از یک سو و تضعیف هویت‌طلبی‌های مذهبی و قومی افراطی از سوی دیگر، توجه شود. برای رسیدن به هویت واحد تمدنی و تضعیف هویت‌جویی‌های قومی و مذهبی، کارویژه مهم این آموزه عبارت است از: «تقویت و شفاف‌سازی دگر مشترک به عنوان دشمن». غیریت‌سازی، فرایندی است که به واسطه آن گفتمانها اقدام به تولید «غیر»، «دیگر» یا «دشمن» برای خود می‌کنند؛ زیرا وجود «غیر» باعث شکل‌گیری هویت و معنا می‌شود و برای رسیدن به قدرت، گریزی از آن نیست. غیریت‌سازی از دو نظر برای نظریه گفتمان اهمیت دارد: از یک سو رابطه‌ای غیریت‌سازانه را که همواره شامل تولید «دشمن» یا «دیگر» است و برای تأسیس مرزهای اعتقادی و سیاسی و فرهنگی ضروری می‌باشد، ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، تشکیل روابط غیریت‌سازانه و تثبیت مرزهای سیاسی، هویت‌تشکلهای گفتمانی و عاملان اجتماعی را تحکیم می‌کند. بر اساس رویکرد فردریک بارث، گروهها تمایل ندارند که با استفاده از ویژگی‌های خودشان، خود را تعریف کنند؛ بلکه تمایل به این دارند که این تعریف از طریق نفی، یعنی مقایسه خود با «بیگانگان» انجام شود. (آریان‌فر و زرگر، ۱۳۸۹: ۳۵)

نقش آموزه امت، در فهم «دشمن مشترک» و کم‌رنگ‌شدن نقش عوامل جغرافیایی، نژادی و مذهبی در این زمینه است. به این معنا که جامعه اسلامی با وجود فاصله‌های جغرافیایی، موانع طبیعی، عوامل جمعیتی و قومی، در برابر دشمن امت اسلامی مقاومت کند. به بیان دیگر؛ مسلمانان اگرچه از اقوام و طوایف



### امیرمحسن عرفان ۳۰۷

مختلف اند، در مقاومت در برابر دشمن مشترک مسئولیت پذیر باشند و مقاومت منحصر به یک قوم یا نژاد و مذهب خاص نباشد. البته ناگفته نماند که درک دشمن مشترک، خود عاملی وحدت‌بخش در تقابل با شکافهای طایفه‌ای و قومیتی است؛ زیرا درک وجود تهدید از سوی دشمن مشترک، به مدیریت جامعه اسلامی می‌انجامد. «فرایند دیگرسازی» برآمده از آموزه امت، منجر به ایجاد دو جبهه متمایز می‌شود که عبارتند از: «ما» و «دیگری». ما؛ یعنی جهان اسلام و دیگری؛ جهان کفر است. پس این آموزه به هیچ وجه تفسیر مذهبی و قومی نظیر شیعه و سنی، عرب و عجم و... را از «ما» و «دیگری» نمی‌پذیرد. بر اساس همین ذهنیت دوگانه، کلیه رفتارها و کردارهای جهان اسلام به گونه‌ای شکل می‌گیرد که او تمام پدیده‌ها را در قالب دو گانه ما و آنها می‌ریزد.



نمودار ۵: فرایند دیگرسازی در سایه باورداشت آموزه امت

### و) بحث و نتیجه‌گیری

از نظرگاه قرآن کریم، هویت‌های قومی، قبیله‌ای، ملی و... هویت‌های فردی و عرضی‌اند، نه اصلی و ذاتی. بر این اساس، قرآن واحدهای اجتماعی موجود در جوامع را به عنوان یک واقعیت می‌پذیرد و معتقد است که هر یک از این واحدها، هویتی را برای انسانها خلق می‌کنند؛ اما هویت اصیل و بادوام، هویتی است که مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی و اعتقادی باشد؛ بنابر این، از امت به عنوان یک واحد کلان اجتماعی که توانایی هویت‌سازی پایا و پویا را دارد، یاد می‌کند. امت متشکل از ملت‌ها، اقوام، نژادها و گروه‌های اجتماعی متنوعی است که «تکثر آنان عین وحدت» و «وحدت آنان عین کثرت» می‌باشد. کارویژه امت آن است که هویتی واقعی را برای آنان خلق می‌کند و هویت‌های کم‌رنگ‌تر، همچون هویت‌های منطقه‌ای، ملی، قومی و نژادی را با خود هم‌جهت خواهد کرد. در این صورت است که ناهمگونی‌های موجود در میان هویت جمعی به صورت همگون در خواهد آمد.



### منابع

- آریان‌فر، کاظم و افشین زرگر (۱۳۸۹). «هویت قومی و ملی؛ مروری بر برخی از مفاهیم اساسی حل و فصل منازعات قومی و دولت-ملت‌سازی». *پژوهشنامه*، ش ۵۲.
- اسمیت، آنتونی دی. (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*. ترجمه منصور انصاری. تهران: تمدن ایرانی.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). *تبارشناسی هویت جدید ایرانی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- انصاری، حسن (۱۳۹۳). «امت». *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- پیغان، نعمت‌الله (۱۳۸۰). «امت واحد؛ از همگرایی تا واگرایی». *علوم سیاسی*، ش ۱۵.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- تفلیسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم (۱۳۸۶). *وجوه قرآن*. با اهتمام مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). *ایران؛ هویت، ملیت، قومیت*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). *جستاری نظری در باب تمدن*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۷۹). «امت و ملت، تگاهی دوباره». *حکومت اسلامی*، ش ۱۶.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۲). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، محمدحسین (۱۳۶۲). *مفردات الفاظ القرآن*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- ریتز، جورج (۱۳۹۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- شریعتی، علی (۱۳۵۷). *امت و امامت*. تهران: قلم.
- شفایی، امان‌الله (۱۳۹۱). «تبیین قلمرو آموزه امت در جوامع چند فرهنگی». *حکومت اسلامی*، ش ۴.
- طایی، علی (۱۳۷۸). *بحران هویت قومی در ایران*. تهران: شادگان.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). *المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق). *مجمع‌البیان*. تحقیق سید هاشم رسولی و سید فضل‌الله یزدی طباطبایی. بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ ق). *جامع‌البیان*. تصحیح صدقی جمیل. بیروت: دارالفکر.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴ ق). *المعجم‌المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*. قاهره: دارالکتب المصریه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶). *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر.
- فیاضی‌بخش، محمد و محمد روحی (۱۳۸۷). *تفسیر مفردات القرآن فی ترتیب لغات مجمع‌البیان و المیزان*. تهران: احیای کتاب.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹). «دیالکتیک امت و ملت در آرای امام خمینی». *مطالعات راهبردی*، ش ۴۹.
- کامران، حسن و محمود واثق (۱۳۸۹). «تحلیلی جغرافیایی از واژه قرآنی امت». *جغرافیا*، ش ۲۶.

- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳). «**هویت، دولت و سیاست خارجی**». *سیاست خارجی*، سال هجدهم، ش ۱.
- گبیرنا، ماریا مونترات (۱۳۸۰). *مکاتب ناسیونالیسم؛ ناسیونالیسم و دولت- ملت در قرن بیستم*. ترجمه امیرمسعود اجتهادی. تهران: وزارت امور خارجه.
- لالر، استف (۱۳۹۲). *هویت دیدگاههای جامعه‌شناختی*. ترجمه مهناز فرهنگ. تهران: جامعه‌شناسان.
- لوسین‌پای و همکاران (۱۳۸۰). *بحرانها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*. ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن*. تهران: مؤسسه الطباعه و النشر وزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نصیری (۱۳۸۲). «**اهم**». *دایره‌المعارف قرآن کریم*، ج ۴. قم: بوستان کتاب.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸). *پرخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی*. ترجمه محمدعلی حمید رفیعی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- A Group of Writers (2007). **Iran; Identity, Nationality, Ethnicity**. Tehran: Institute for Research and Development of Humanities.
- A Group of Authors (2009). **Theoretical research on civilization**. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Sciences.
- Abdul Baqi, Muhammad Fouad (1364 AH). **Al-Muhajireen Dictionary of the Words of the Holy Quran**. Cairo: Egyptian Library.
- Akbari, Mohammad Ali (2005). **Genealogy of New Iranian Identity**. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Amid Zanjani, Abbas Ali (1987). **Political Jurisprudence**. Tehran: Amirkabir.
- Ansari, Hassan (2014). “**Ummah**”. *The Great Islamic Encyclopedia, Vol. 10*. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center.
- Arianfar, Kazem & Afshin Zargar (2010). “**Ethnic and National Identity; A Review of Some Basic Concepts of Resolving Ethnic Conflicts and the State - Nation-Building**”. *Journal of Research*, No. 52.
- Dehkhoda, Ali Akbar (2013). **Dictionary**. Tehran: Tehran University Press.
- Fayyazi Bakhsh, Mohammad & Mohammad Rouhi (2008). **Interpretation of the contents of the Qur'an in the order of the words of Majma 'al-Bayan and Al-Mizan**. Tehran: revival of the book.
- Ghasemi, Mohammad Ali (2010). “**The dialectic of the nation in the views of Imam Khomeini**”. *Strategic Studies*, No. 49.
- Giberna, Maria Montserrat (2001). **Schools of Nationalism; Nationalism and the Nation-State in the Twentieth Century**. Translated by Amir Massoud Ejtehad. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Center.
- Huntington, Samuel (1999). **The Clash of Civilizations and the Reconstruction of the World Order**. Translated by Mohammad Ali Hamid Rafiei. Tehran: Cultural Research Office.
- Javan Arasteh, Hossein (2000). “**Nation and Nation, A Look Again**”. *Islamic Government Quarterly*, No. 16.
- Kamran, Hassan & Mahmoud Vasegh (2010). “**Geographical Analysis of the Quranic Word of the Nation**”. *Geography Quarterly*, No. 26.

- Karami, Jahangir (2004). **“Identity, Government and Foreign Policy”**. *Foreign Policy Quarterly*, Year 18, No. 1.
- Laurel, Stephen (2013). **The Identity of Sociological Perspectives**. Translated by Mahnaz Farahmand. Tehran: Sociologists.
- Lucipae et al. (2001). **Crises and Sequences in the Path of Political Development**. Translated by Gholamreza Khajeh Sarvi. Tehran: Research Institute for Strategic Studies.
- Makarem Shirazi, Nasser (1995). **Tafsir Nemoneh**. Tehran: Islamic Library.
- Mustafawi, Hassan (1416 AH). **Research in the words of the Qur'an**. Tehran: Printing and Publishing Institute of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Nasiri (2003). **“Ummah”**. *Encyclopedia of the Holy Quran, Vol. 4*. Qom: Book Garden.
- Peygan, Nematullah (2001). **“One Nation; From Convergence to Divergence”**. *Political Science Quarterly*, No. 15.
- Ragheb Esfahani, Mohammad Hussein (1983). **Vocabulary of Quranic Words**. Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Ritters, George (2015). **Theory of Sociology in Contemporary Times**. Translated by Mohsen Thalasi. Tehran: Scientific publication.
- Shariati, Ali (1978). **Ummah and Imamate**. Tehran: Qalam Publications.
- Shafaei, Amanollah (2012). **“Explaining the realm of the ummah's doctrine in multicultural societies”**. *Islamic Government Quarterly*, No. 4.
- Smith, Anthony D. (2004). **Nationalism: Theory, Ideology, History**. Translated by Mansour Ansari. Tehran: Iranian Civilization.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1415 AH). **Jame 'al-Bayan**. Corrected by Siddiqui Jamil. Beirut: Dar al-Fikr.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan (1408 AH). **Majma 'al-Bayan**. Research by Seyyed Hashem Rasooli Mahallati & Seyyed Fazlullah Yazdi Tabatabai. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (1984). **Al-Mizan**. Translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani. Qom: Islamic Publications Office.
- Taei, Ali (1999). **The Crisis of Ethnic Identity in Iran**. Tehran: Shadegan.
- Tajik, Mohammad Reza (2005). **The Narrative of Otherness and Identity among Iranians**. Tehran: Farhang Gofman.
- Tbilissi, Abolfazl Habish ibn Ibrahim (2007). **Aspects of the Quran**. by Mehdi Mohaghegh. Tehran: University of Tehran.
- Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan (No Date). **Al-Tebyan Fi Tafsir Al-Quran**. Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.

